

راستگوترین انسان در تاریخ معاصر

«آیا شما در تمام جهان معاصر سراغ دارید
انسانی را که راست تر از خمینی گفته باشد؟»
روزنامه کیهان تهران، ۵ شهریور ۱۳۶۰*

سخنان «امام» خمینی پیش از پیروزی انقلاب

«رغبت شخصی و وضع سنی و مزاجی من اجازه نمی دهد که بعد از سقوط رژیم فعلی،
شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم» (در مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتد پرس،
پاریس، ۱۶ آبان ۱۳۵۷).

«کرارا گفته ام که نه میل و رغبت من، نه سن و موقعیت من، اجازه حکومت کردن را
به من نمی دهد» (در مصاحبه با خبرگزاری یونایتد پرس، پاریس، ۱۷ آبان ۱۳۵۷).
«من خودم نمی خواهم قدرت یا حکومت را به دست بگیرم، من خواهان قدرت شخصی
نیستم» (در مصاحبه با روزنامه گاردین، پاریس، ۲۵ آبان ۱۳۵۷).

«من نمی خواهم رهبر جمهوری اسلامی باشم، نمی خواهم حکومت یا قدرت را
به دست بگیرم. من فقط مردم را برای انتخاب حکومت ارشاد خواهم کرد» (در مصاحبه با
تلویزیون اتریش، پاریس، ۲۵ آبان ۱۳۵۷).

«این مردم ایران هستند که باید افراد کاردان و قابل اعتماد خود را انتخاب کنند و
مسئولیت امور را به دست آنان بسپارند. لکن من شخصا نمی توانم در آن تشکیلات
مسئولیت و مقام خاصی را بپذیرم» (در مصاحبه با روزنامه لوژورنال، پاریس، ۷ آذر
۱۳۵۷).

«پس از خروج شاه از ایران، من نه رئیس جمهور خواهم شد و نه هیچ مقام رهبری
دیگری را به عهده خواهم گرفت. مثل گذشته فقط به ارشاد و هدایت ملت اکتفا خواهم
کرد» (در مصاحبه با روزنامه لوموند، پاریس، ۱۹ دی ۱۳۵۷).

«رژیم اسلامی با استبداد جمع نمی شود» (در مصاحبه با خبرگزاری فرانس پرس،
پاریس، ۳ آبان ۱۳۵۷).

«حکومت اسلامی ما اساس کار خود را بر بحث آزاد و مبارزه با هر نوع سانسور
گذاشته است» (در مصاحبه با خبرگزاری رویتر، پاریس، ۴ آبان ۱۳۵۷).

* عبارتهایی که در این بخش آمده همه برگرفته است از: شجاع الدین شفا، توضیح المسائل. پاسخهایی
به پرسشهای هزار ساله درباره تشیع دین و تشیع دکانداران دین، پاریس، چاپ اول، ۱۳۶۲.

«در جمهوری اسلامی، حقوق اقلیت‌های مذهبی محترم بوده و کاملاً رعایت خواهد شد» (در مصاحبه با تلویزیون اتریش، پاریس، ۱۵ آبان ۱۳۵۷).

«در حکومت اسلامی ایران، مطبوعات در نشر همه واقعیات و حقایق کشور آزاد خواهند بود و تشکیل هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم نیز آزاد خواهد بود» (در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی پائزه سرا، پاریس، ۱۱ آبان ۱۳۵۷).

«جامعه آینده ما، جامعه آزادی خواهد بود، و همه نهادهای فشار و اختناق در آن از میان خواهد رفت» (در مصاحبه مطبوعاتی با مجله اشپنگل، پاریس، ۱۶ آبان ۱۳۵۷).

«در دولت اسلامی آینده ایران، هر کس می‌تواند عقیده خودش را اظهار بکند، و دولت اسلامی تمام منطقیها را با منطق جواب خواهد داد» (در مصاحبه مطبوعاتی بین المللی، پاریس، ۱۸ آبان ۱۳۵۷).

«ما می‌خواهیم حکومت اسلامی را به صورت مشابه صدر اسلام اجرا بکنیم تا شما معنی درست دموکراسی را بفهمید، و بشر بدانند که دموکراسی اسلام با این دموکراسی‌های دیگر چقدر فرق دارد. اگر مزایای این اسلام را مردم دنیا بفهمند، امید من این است که همه آنها مسلمان بشوند» (در مصاحبه با گروهی از جوانان فرانسوی، پاریس، ۱۸ آبان ۱۳۵۷).

«در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی کامل در هر گونه عقیده ای خواهند بود» (در مصاحبه با سازمان عفو بین المللی، پاریس، ۱۹ آبان ۱۳۵۷).

«پیشنهاد من برای ایجاد یک حکومت اسلامی، به معنی بازگشت به گذشته نیست. من قویاً طرفدار تمدن و ترقی هستم» (در مصاحبه با خبرنگاران بین المللی در پاریس، نقل از روزنامه اطلاعات، ۲۱ دی ۱۳۵۷).

«این حرفهایی که راجع به زنان در حکومت آینده اسلامی شنیده اید همه تبلیغات مغرضانه است. در جمهوری اسلامی زنان کاملاً آزاد خواهند بود، چه در تحصیل، چه در هر کار دیگر، کاملاً همان طور که مردها آزادند» (در مصاحبه با خبرنگاران آلمانی، پاریس، ۲۱ آبان ۱۳۵۷).

«زنان در جمهوری اسلامی در انتخاب نوع فعالیت و سرنوشت خود، و همچنین پوشش خود، آزاد خواهند بود» (در مصاحبه با روزنامه گاردین، ۱۵ آبان ۱۳۵۷).

«مقامات روحانی شیعه قصد ندارند خودشان در ایران حکومت کنند» (در مصاحبه با خبرگزاری فرانس پرس، پاریس، ۳ آبان ۱۳۵۷).

«در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد، و فقط ناظر و هادی مجریان

امور خواهند بود. حکومت مملکت در همه مراتب خود تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود» (در مصاحبه با خبرگزاری رویتر، ۴ ابان ۱۳۵۷).

سخنان «امام» خمینی پس از پیروزی انقلاب

«این ملت هست و این روحانیت هم هست. این را بدانید که در هر جایی از این مملکت، فقط روحانیت می تواند کارها را از پیش ببرد. این قدر تعصب نکنید که بخواهید کنار بگذارید روحانیت را. آخر شما در ظرف چندین سال چه کار کردید برای کشور که حالا می گوئید روحانیون نباید مصدر کارها باشند؟ قدر این روحانیت را بدانید. شما نمی فهمید درست! اگر این طایفه را از کار کنار بگذارید، اسم و رسمی از اسلام نخواهد بود، فرض کنید یک روحانی هم یک جایی خلاف کرده است، چرا شما باید خلاف بکنید و فلان معمم نباید خلاف بکند؟» (در ملاقات با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، جماران، ۶ خرداد ۱۳۶۰).

«به آنها که از دموکراسی حرف می زنند گوش ندهید، آنها با اسلام مخالفند. می خواهند ملت را از مسیر خودش منحرف کنند. ما قلمهای مسموم آنها را که صحبت ملی و دموکراتیک و اینها را می کنند می شکنیم» (در ملاقات با دانش آموزان و فرهنگیان، قم، ۲۲ اسفند ۱۳۵۷).

«آن قشری را که بواسطه مخالفت با اسلام با ما مخالفت می کنند با همان مستی که رژیم را از بین بردیم این وابسته ها را از بین خواهیم برد. به گفته های خودتان توجه کنید. از نوشته هایی که می نویسید توبه کنید. من به شما اخطار می کنم که هنوز وقت توبه باقی ست» (در مدرسه فیضیه، قم، ۱۵ خرداد ۱۳۵۸).

«اشخاص روشنفکر، اشخاص صاحب قلم، صاحب اطلاع و فکر، بعضیشان را می بینید که قلمها را برمی دارند و به نام دموکراسی هرچه دلشان می خواهد می نویسند و موجب تشتت می شوند. این طبقه به اصطلاح روشن باید خودشان را اصلاح کنند. ما هرچه می کشیم از این طبقه ای ست که ادعا می کنند روشنفکریم و حقوقدانیم. هرچه ما می کشیم از اینهاست» (خطاب به اعضای نهضت رادیکال ایران، قم، اول مرداد ۱۳۵۸).

«باید به این روشنفکران هشدار داد که اگر از فضولی دست برندارید سرکوب خواهید شد. ما با شما با ملایمت رفتار کردیم که شاید دست از شیطنت بردارید و اگر دست برندارید کلمه آخر را خواهیم گفت. این چپ روهای امریکایی و غیر امریکایی

بدانند آن روز که ما بخواهیم در ظرف چند ساعت تمام آنها به زباله‌های فنا ریخته خواهند شد» (پیام به ملت ایران، ۱۷ مرداد ۱۳۵۸).

«کسانی که جبهه‌های سیاسی تشکیل می‌دهند باید دست از کار خودشان بردارند. اگر بنا بود از اول مثل سایر انقلاباتی که در دنیا واقع می‌شود چند هزار از این فاسدها را در مراکز عام سر می‌بریدند و آتش می‌زدند، تا قضیه تمام شود، اشکال برطرف می‌شد. ما یک حزب یا چند حزب را که صحیح عمل می‌کنند می‌گذاریم عمل نکنند و باقی را ممنوع اعلام می‌کنیم. ما دیگر نمی‌توانیم آن آزادی را که قبلاً دادیم بدهیم و نمی‌توانیم بگذاریم این احزاب کار خودشان را ادامه بدهند. ما شرعاً نمی‌توانیم مهلت بدهیم. شرعاً جائز نیست که مهلت بدهیم. ما آزادی دادیم ولی خطا کردیم، با این حیوانات درنده نمی‌توانیم با ملایمت رفتار بکنیم. دیگر نمی‌گذاریم هیچ نوشته‌ای از اینها در هیچ جای مملکت پخش شود. تمام نوشته‌هایشان را از بین می‌بریم. با اینها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار خواهیم کرد» (در مجلس معارفه با نمایندگان مجلس خبرگان، قم، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸).

«بعد از انقلاب مرزها را باز گذاشتند. قلمها را آزاد کردند، گفتار را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند. به خیال این که یک مردمی هستند که اگر لاقول مسلمان نیستند آدم هستند. اما معلوم شد اینها اعمال خارجیها هستند. حالا برای ما ماهیت این نویسنده‌ها، ماهیت این احزاب، ماهیت این الفاظ فریبنده بی‌معنی، روشن شده است. ما دیگر آزادی نخواهیم داد. اینها اهل این نیستند که با نصیحت دست از کارهای خودشان بردارند. باید با شدت با آنها رفتار کرد» (در مدرسه فیضیه، قم، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸).

«آنهايي که با اسم دموکراسی می‌خواهند مملکت ما را به فساد و تباهی بکشند باید سرکوب شوند. اینها از یهود بنی قریظه نیز بدترند و باید اعدام شوند. ما به اذن خدا و امر خدا آنها را سرکوب می‌کنیم» (در مدرسه فیضیه، قم، ۸ شهریور ۱۳۵۸).

«آنهايي که به جمهوری اسلامی رای ندادند معنایش این است که ما طاغوت را می‌خواهیم. اینها که تحریم کردند تا رای به جمهوری اسلامی داده نشود منافقند. ما با آنان مثل منافقین عمل می‌کنیم و آنها را سرکوب می‌کنیم. شما منافقین هستید که می‌خواهید فتنه بکنید. منافقین هستید که بر ضد اسلام و بر ضد کشور توطئه کردید. رفت و آمد شما کنترل است. به ما اطلاع دادند که شما با اشخاصی که می‌خواهند مملکت ما باز به حال اول برگردد رفت و آمد و روابط دارید. حالا که توطئه شما ثابت شد ما شما را سرکوب خواهیم کرد. اگر چنانچه دست از شیطنت بردارید بسیجی فوق این بسیج که انجام گرفت

انجام می دهیم و تمام را پاکسازی می کنیم. نمی گذاریم شما جرثومه های فساد باقی بمانید و دوباره کار خودتان را بکنید» (از پیام عید فطر، ۱۲ شهریور ۱۳۵۸).

«این ریشه های گندیده که الان در کار هستند سرکوب می شوند و در نتیجه مملکت پاکسازی می شود. حضرت امیرالمؤمنین وقتی که مواجه شد با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند و همچنین با خوارج که آنها هم همین طور بودند با شدت تمام رفتار نمودند و خوارج را چنان سرکوب کردند که از آنها فقط چند نفری توانستند فرار کنند» (خطاب به خانواده های خلبانان، قم، ۱۱ شهریور ۱۳۵۸).

«روز خوارج روزی ست که امیرالمؤمنین سلام الله علیه شمشیرش را کشید و این فاسدها را مثل غده های سرطانی درو کرد و تمامشان را کشت. آن روز «یوم الله» بود. روزهایی که خدای تعالی برای تنبیه ملتها به آنها زلزله وارد می کند، سیل وارد می کند، طوفان وارد می کند و خلاصه به مردم شلاق می زند که آدم بشوید. اینها همه، روز خداست و چیزهایی که به خدا مربوط است» (در یادبود شهدای ۱۷ شهریور، قم، ۱۷ شهریور ۱۳۵۸).

«در کارها کارشکنی نکنید. همه باید از جمهوری اسلامی تبعیت کنید که اگر نکنید محو خواهید شد» (خطاب به افسران نیروی هوایی اصفهان، قم، ۲۸ شهریور ۱۳۵۸).

«مخالفان ما مثل غده سرطانی هستند که باید عمل کرد و بیرونش آورد والا همه چیز را فاسد می کند».

«این نوشته ها، این نطقها، این کارهای خلاف، این برنامه های دموکراسی، کناره گیری از اسلام است. هر ندایی که پیدا بشود از کفر است، از زندقه است» (خطاب به نمایندگان مردم تبریز، قم، ۲۸ شهریور ۱۳۵۸).

«ما باید این اشخاص و گروهها را که در مسیر اسلام و نهضت اسلامی نیستند، از مقالاتشان و گفتار و کردارشان بشناسیم. شما روحانیون که بحمدالله زمام امت اسلامی را در دست دارید باید مردم را به تشکل این شیاطینی که مشغولند مجالس درست می کنند و حرفها می زنند توجه دهید. اینها از یک مطلب می ترسند و آن اسلام است. از هرچه انتقاد می کنند نقطه اصلی که می خواهند بدان حمله کنند خود اسلام است. قلمهای اینها همان سرنیزه سابق است که به صورت قلم درآمده است... اینها باید بفهمند که تا این منبر و محراب هست و تا این خطابه خوانها هستند کاری نمی توانند بکنند. من توصیه می کنم به شما مخالفین که این قدر اجتماع نکنید، این قدر اعلامیه ندهید، این قدر نشریه ندهید، جرات کرده اید، سردر آورده اید؟ توی دهنتان می زخم. مگر قدرت این را دارید؟ دست از

این حرفها و از این مزخرفات بردارید» (خطاب به گروهی از روحانیون، قم، ۳۰ مهر ۱۳۵۸).

«در انقلابی که در ایران حاصل شد در سرتاسر این مملکت فریاد مردم این بود که ما اسلام را می خواهیم، این ملت قیام نکردند که مملکتشان دموکراسی باشد» (در ملاقات با شورای مدیره صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، قم، ۱۹ آذر ۱۳۵۸).

«این جنایتکارها که در بازداشت هستند متهم نیستند بلکه جرمشان محرز است. باید فقط هویت آنها را ثابت کرد و بعد آنها را کشت. اصلاً احتیاج به محاکمه آنها نیست. هیچ گونه ترحمی درباره آنها مورد ندارد. ما معتقدیم که مجرم اصولاً محاکمه ندارد و باید او را کشت» (پیام به ملت ایران، ۹ تیر ۱۳۵۹).

«مردم باید پند بگیرند از آن مادری که پسر خودش را آورد و به دست محاکمه سپرد و آن پسر اعدام شد. که این یکی از نمونه های اسلام است و دیگران هم باید همین طور باشند. اولادها و برادرها و فرزندان خودشان را اگر نصیحت نپذیرفتند معرفی کنند تا به مجازات خود برسند... وظیفه اسلامی و وظیفه ایمانی و ملی آنهاست. به آن عمل کنند» (در ملاقات با افسران و درجه داران شهربانی جمهوری اسلامی، ۲ شهریور ۱۳۶۰).

«این کاری که تو کردی، ای زن، که پسرت را به مجازات سپردی، نمونه ای شد در اسلام. این کار را همه باید بکنند. وظیفه همه مردم مسلمان است که این کار را انجام بدهند» (در ملاقات با مادر محمود طریق الاسلام، برای اعلام او به عنوان «مادر نمونه»، جماران، ۴ شهریور ۱۳۶۰).

«ایران دنبال یک برنامه ای هست که آن برنامه اسلام است. همان اسلامی که می گوید اگر کسی با چپ یا راست مراوده داشته باشد، این کس محارب با خداست. قصد محاربه با خدا را دارد، و مجازات او مجازات محارب است» (در ملاقات با مریبان امور تربیتی، جماران، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱).

«دانش آموزان عزیز باید با کمال دقت اعمال و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند، که اگر خدای ناکرده در یکی از آنان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات مسؤولان گزارش نمایند. و خود دبیران و معلمین با هوشیاری مواظب همکاران خود باشند تا اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال تدریس به فرزندان میهن اسلامیمان القاء کنند از آنان جلوگیری نمایند. و در صورتی که فایده ای نبخشید با قاطعیت مطلب را با مسؤولان در میان بگذارند.

فرزندان عزیزم خود نیز از یکدیگر به بهترین رویه مراقبت نمایند و در صورتی که

مشاهده کردند که بعضی از دشمنانشان در لباس دوست و همشاگردی می خواهند آنان را جذب گروه خود کنند به مقامات مسؤول معرفی نمایند و سعی کنند این کار را به صورتی مخفی انجام دهند.

مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهای فرزندانسان سخت مراقبت نمایند و آنان را زیر نظر بگیرند» (پیام به مناسبت روز بازگشایی مدارس، اول مهرماه ۱۳۶۱)

برخی از کلمات قصار «امام» خمینی

«وقتی که این حقوق بشر آمدند حبسهای ما را دیدند، رفتند، گفتند: حبسها خوب است. مطابق با تمدن است. مطابق با دموکراتیک است، برای این که منطق منطق اسلامی ست» (قم، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸).

«در دنیا هیچ دموکراسی بهتر از این دموکراسی ما نیست. یک چنین چیزی تا حالا دیده نشده است» (خطاب به وزیر امور داری و اقتصادی، قم، ۲ تیر ۱۳۵۸).

«ملت ما امروز الگویی شده است از برای همه کشورها» (در ملاقات با خانواده های شهدای نیروی هوایی، ۸ دی ۱۳۵۹).

«ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود ملت ما، نه دانشگاهی که شعارش این باشد که می خواهیم ایران متمدن و آباد داشته باشیم و رو به تمدن بزرگ برویم. این جور دانشگاه ما را وابسته به خارج می کند. ما با آن دانشگاه از اساس مخالفیم. ما اساتید دانشگاهی را می خواهیم که رو به غرب و شرق نایستند. آتاتورک نباشند، و تقی زاده هم نباشند» (در ملاقات با اعضای انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی دانشکده علم و صنعت، ۵ خرداد ۱۳۶۰).

«انقلاب ایران انقلابی ست نظیر آنچه در طول تاریخ به دست انبیاء صورت گرفت» (خطاب به خانواده رجایی و باهنر پس از ترور آنان، ۱۱ شهریور ۱۳۶۰).

«انحصار طلبی فی نفسه یک امر فاسدی نیست. پیغمبرها هم همه انحصار طلب بودند، خدای تبارک و تعالی هم انحصار طلب بود. انحصار این صحیح است. انحصار طلبی آقای بهشتی و این هفتاد شهید مظلوم هم خیلی صحیح است» (در ملاقات با شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران، جماران، ۱۶ شهریور ۱۳۶۰).

«الان ملت ایران آرامش را به طور کامل در کشور ایجاد کرده است».

«توصیه می کنم رفتار خوبی را که با زندانیان دارید کماکان ادامه بدهید» (در ملاقات با خانواده های رجائی و باهنر، جماران، ۱۱ شهریور ۱۳۶۰).

«در این دو سال آن قدر در مملکت کار شده است که آدم باور نمی تواند بکند» (جماران، ۲۷ بهمن ۱۳۶۰).

«ما الان هرچه گرفتاری داریم از رژیم گذشته داریم. رژیم حاضر برای شما گرفتاری بحمدالله نیاورده. آنهایی هم که به خارج می روند، هر جا می روند وقتی که بر می گردند می گویند که ملتها همه عاشق ایرانند» (در ملاقات با مریبان امور تربیتی، ۲۸ شهریور ۱۳۶۱).

«امروز بانوان ما به طوری غرق در نعمت خدا هستند که حدی ندارد. و خودشان هم شاید از آن نعمتهای بزرگ الهی غافل باشند» (از پیام نوروزی سال ۱۳۶۲).

«کسی که تمام توجهش به دآمداری ست او نمی تواند آدم شود، و کسی هم که توجهش به باغداری ست او هم نمی تواند آدم شود» (در ملاقات نوروزی با مسؤولان مملکتی، جماران، اول فروردین ۱۳۶۲).

«آنچه در این چند سال در مملکت ما شده است، ما قدرت اجزاء آن را نداریم. ملت باید از این بابت از دولت تشکر کند».

«اگر این ابرقدرتها بخواهند سر ما هجمه بکنند، ما نمی گذاریم اینها طیاره هایشان پیاده بشوند [!]. چتر باز هایشان را بین هوا می کشیم و ازین می بریم. مگر آنها می توانند به این جا هجمه کنند؟ (تکبیر حضار)» (در ملاقات با اعضای کمیته های مرکزی انقلاب اسلامی، جماران، ۲۱ فروردین ۱۳۶۲).

«خداوند تعالی عنایات خاصه غیبیه خودش را بر شما ارزانی فرموده. اگر از وضعی که الان دارید شکر گزار نباشید این جانب خوف آن را دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای نخواستہ تر و خشک را با هم بسوزاند و راه گریزی هم برایتان نباشد» (از پیام به مناسبت آغاز پنجمین سال جمهوری اسلامی، ۱۲ فروردین ۱۳۶۲).

«هی می گویند گرانی ست. کمبود است. ما بیایم نوامیس خودمان را، جان خودمان را، اسلام خودمان را به خطر بیندازیم که گوشت گران است و میوه گران است و مردم ناراضی هستند، و خدای نخواستہ، این وحدت که هست ازین برود و همه نوامیس و همه زحمتهای انبیا علیه السلام هم به باد فنا برود. یک قدر آدم بشوید» (در دیدار با وزیر کشور و همکاران او، ۲۱ فروردین ۱۳۶۲).

امام زمان در خدمت حکومت اسلامی ایران

«ما وقتی مقایسه کنیم مملکت خودمان را با همه ممالکی که در عالم هست، با ثبات تر

از مملکت ما کدام مملکت است؟ همه جهاتش تمام است. همه جهاتش خوب است. با ثبات ترین ممالک است الان، این انفجارات و این طور چیزها خودش دلیل ثباتش است. دولتش آیا نقصی دارد؟ وفور نعمت بحمدالله هست، البته گرانی هم هست. ولی ما چه گرفتاری داریم؟ صاحب این مملکت امام زمان سلام الله علیه است» (در ملاقات با هیأت وزیران جمهوری اسلامی، جماران، ۱۶ شهریور ۱۳۶۰).

«شما الان تحت نظر خدا و امام زمان هستید. شما را شخصاً مرافبت می کنند، نامه اعمال شما را هم مرتباً برای امام زمان علیه السلام می فرستند» (خمینی، خطاب به سپاه پاسداران اسلامی، ۴ اسفند ۱۳۶۰).

«فرق است میان آنهایی که جنگ می کنند با اطمینان به این که صاحب الزمان روحی فداه شخصاً فرمانده آنهاست و آنهایی که صدام عقلی فرمانده آنهاست» (خمینی، پیام به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی، ۲۹ فروردین ۱۳۶۱).

«فردی که به تازگی از جبهه آمده است در رابطه با امدادهای غیبی به من گفت: صدامیان مدرن ترین موشکهای خود را به سوی خارک شلیک می کنند، اما گویا دستی این موشکها را یا در آب یا در بیابان و زمین پایین می آورد و حتی وقتی موشک به مخزن بنزین می خورد از سوی دیگر آن خارج می شود بی آن که در مخزن انفجاری به وجود بیاید، و این جانش است که انسان وجود صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و نصرت خدا را می بیند و لمس می کند» (ناطق نوری، وزیر کشور جمهوری اسلامی، در خطبه نماز جمعه، ۱۴ آبان ۱۳۶۱).

«امدادهای غیبی زیادی در جریان این عملیات [در جنگ عراق و ایران] دیده شده بود، از جمله اصابت گلوله توپ دشمن به سنگر برخی از فرماندهان که عادةً توسط آن توپ سنگر متلاشی می شود، ولی به سنگرهای آنان کوچکترین خسارت وارد نشد، این فتح المبین و همه پیروزیها از برکات حضور حضرت بقیه الله روحی لمقدمه الفداء در جبهه بوده است» (هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه شورای عالی دفاع، ۱۴ فروردین ۱۳۶۱).

«فرمانده فدائیان اسلام برایم نقل کرد که در جریان جنگ تحمیلی عراق، در جبهه ای گرفتار دشمن بعضی شدم و متوجه شدم که از چند طرف تیرباران می شوم. در حدود پنج دقیقه سی و چند تیر به من زدند، اما مثل این که هاله ای غیبی اطراف مرا گرفته بود و هیچ کدام از تیرها به من نمی خورد. بالاخره هم هیچ اتفاق بدی برایم نیفتاد» (دستغیب شیرازی، در کتاب توحید، ص ۲۴۲).

«پیش از حمله ما، جلسه ای با شرکت مسؤولان گروهها و گردانها با حضور فرمانده سپاه پاسداران تشکیل شد. بعد از جلسه فرمانده سپاه به ما اعلام کرد که حمله فردا استثنایی ست، زیرا فرماندهی مستقیم این تعلیمات را جناب امام زمان (عج) به عهده دارند... بر روی یکی از تپه های آزاد شده که رسیدیم از کنار تپه چند تانک ظاهر شدند. «آر پی جی» یکی از برادرها را گرفتم تا تانکها را بزنم. پشت سرهم به ماشه فشار آوردم اما هرچه کردم آر پی جی شلیک نکرد. وقتی تانک ها نزدیکتر شدند، دیدم که تانکهای خودی ست. آن وقت فهمیدم که فرمانده عملیات، دست مبارکش را جلو آر پی جی گرفته است. در همین وقت بود که دیدم یکی از برادرهای اصفهانی فریاد می زد: اخوی، برو جلو، امام زمان معطل هستند» (رپرتاز روزنامه کیهان، تهران، از عملیات محرم، ۲۹ آبان ۱۳۶۱).

«در نزدیکی خرمشهر به سمت راست پیش می رویم و به موازات خاکریز رزمندگان اسلام راه خود را ادامه می دهیم. صدای توپ و خمپاره فضا را پر کرده است، اما گویی نیرویی مافوق قدرت انسان در خط سیر توپ و خمپاره دشمن اخلال می نماید، زیرا خمپاره ها یکی بعد از دیگری در وسط راه، راه خود را کج می کنند و در فاصله ای بین خط اول و دوم به زمین می نشینند.» (از مجله پیام انقلاب، ۲۲ خرداد ۱۳۶۱).

«همه نفرات دیگر در سنگر ما با تیر قوای دشمن کشته شده بودند. من هم خودم را برای شهادت آماده کردم، ولی در همان موقع دیدم آقای جوانی با شال سبز جست زد به درون سنگر، و دستش را جلو گلوله ها گرفت و بعد هم تیراندازی تمام شد. خواستم از او پرسم کیست، ولی بیخبر رفت و فقط گفت: وقتی که به حضور امام رفتی سلام مرا به ایشان برسان.»

پس از برگشتن به تهران اجازه یافتم که به خدمتشان [خدمت «امام» خمینی] بروم و گزارش انجام وظایف مذهبی خود را در جبهه به عرضشان برسانم، ولی جریان چند ماه پیش را در سنگر به کلی فراموش کرده بودم. وقتی که اجازه مرخصی گرفتم، امام با تبسم فرمودند: پیغامی برای من نداری؟ با تعجب عرض کردم: خیر. فرمودند: از همسنگر آن روزی خودت چطور؟ آن وقت یادم آمد. با تعجب عرض کردم: مگر او کی بود؟ فرمود: چطور نفهمیدی؟ حضرت صاحب الامر بودند» (مجله صف، ۲۵ شهریور ۱۳۶۱).

گرمی بازار چاپلوسی

فخرالدین حجازی، وکیل اول تهران در مجلس شورای اسلامی، در شرفیابی برای

معرفی سایر همقطاران خویش به آیت الله خمینی و خطاب به وی: «قائدا، رهبر، حقا که شما همان زیتونه مبارک که ای هستید که خداوند در قرآن کریم از او یاد فرموده است. مصباح وجود شما تجلی آیت الهی است. شما مشیت الهی را در کره ارض تجلی بخشیده اید و حالا تمام مردم جهان منتظرند که زمینه حکومت جهانی اسلامی را پدید بیاورید. فرزند علی که ذوالفقار در دست داری، تو تجلی قرآن هستی و استخوانت در خاندان وحی استوار شده. ای داود عصر، ایران برای تو تنگ است، کره ارض ارزانی حکومت باد، ای سلیمان زمان!».

حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهوری: «جامعه اسلامی ما سرافراز به رهبری امامی ست که ملاک رهبری او جز با پیامبران الهی قابل مقایسه نیست».

آیت الله موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی: «امام بزرگوار ما اصولاً در : حد معصومیت قرار دارد».

«حجت الاسلام دعائی، سرپرست روزنامه اطلاعات: «کارآیی امام در مسائل جنگی ابرقدرتها را به زانو کشانیده و مبهوت کرده است، و با اتخاذ این تاکتیک ها امام توانسته است هم ضایعات و تلفات را به حداقل برساند و هم کاربرد عملیات را به حداکثر بالا ببرد. بعضی از این تاکتیک ها را متخصصین نظامی جنگهای کلاسیک اصولی دانسته اند، ولی امام عزیز اینها را با الهام از مکتب وحی به کار گرفته است» (روزنامه اطلاعات، ۲۶ بهمن ۱۳۵۹).

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی: «از عصر حضرت علی تا کنون سابقه نداشته است که رهبری ارتش اسلام را شخصیتی به صلاحیت امام خمینی به عهده داشته باشد».